

تجربه تاریخ

سید کمال ابراهیمی

kiaksar2705@yahoo.com

در نامه‌ای که دکتر علیرضا نظمی افشار به جناب مصطفی هجری دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران به تاریخ (20 مارس 2006) نوشته‌اند چند نکته قابل تامل است.

ایشان در مورد تاریخ ملت کرد مطالبی را نوشته‌اند که باید تاریخ این ملت صحیح تا غلط بودن این مطالب تاریخی را تأیید کند از جمله اشاره به سرزمین آذربایجان کردن در خاک کردستان و اسماعیل آقا شکاک معروف به (سمکو) را غارتگر و قاتل قلمداد کردن و حال اینکه مسائل مربوط به جنبش اسماعیل آقا را به بایگانی راکد سپرده‌اند. و به نحوی در مورد قاضی محمد بحث کرده‌اند که جمهوری کردستان زیر مجموعه جمهوری آذربایجان بوده است. و نقشه کردستان را خیالی دانسته‌اند. با بررسی چند سند تاریخی، این مقطع از تاریخ ملت کرد را از لحاظ تاریخی بررسی میکنیم.

"تاریخ، علمی سودمند است و گذشته میتواند بسیاری از مسائل آینده را روشن سازد"¹ اما در مورد آن سرزمین که اکنون کردستان است از اسنادی که از هزاران سال پیش به دست آمده شروح میکنیم. قدیمیترین سند تاریخی در مورد وجود انسان در منطقه متعلق به غار "شانیدار" در شمال سلیمانیه است "جسد آن انسانها که در غار شانیدار پیدا شده‌اند مربوط به (60000) سال پیش است. برای دکتر رالف این نکته ثابت شد که مردمان آن زمان که ساکن شانیدار بودند یازده نوع گل را برای دفن جسد مردگان خود به منظور احترام به کار میبردند.

دکتر رالف سولکی میگوید: "همه تمدن و پیشرفت بشری از دهانه غار شانیدار خارج شده است"² خاک کردستان از هزاران سال پیش مسکن مردمانی بوده که اکنون کرد نامیده میشوند "ملت کرد مردمانی هستند که در طول تاریخ به وجود آمده و ساکن شده‌اند"³ اما ملت کرد که در طول تاریخ به وجود آمده‌اند در طول تاریخ نیز شاهد هزاران توهین از طرف مردمان و ملل دیگر بوده‌اند یکی از اسناد مربوط به گوتیها است. "گروههای گوتی را به اژدهای کوهستان و دشمن خداوندان ملقب میکردند"⁴ اما گوتیها که توسط دشمنان چنان از آنها نام برده شده خود بزرگترین جنبشها را در هزاران سال پیش بر علیه ظلم و ستم ملل دیگر انجام داده‌اند" در (2200 ق.م) گوتیها بر بابل حکومت میکردند و بعضی از مورخین دوران حکومت گوتی را نیز قسمتی از تاریخ بابل به‌شمار آورده‌اند"⁵ اما در تاریخ بین النهرین یا میان رودان دولتی را نمی بینیم که در آن زمان بر علیه برده‌داری حرکتی کرده باشد اما گوتیها "امکان دارد بزرگترین جنبش بر علیه برده‌داری که آثار آن نه تنها در تاریخ میان رودان یا بین النهرین بلکه در تاریخ آسیای صغیر نیز به‌جا مانده باشد جنبش گروههای گوتی باشد در (2200 ق.م) که به مرحله‌ای رسید که تمام بین النهرین را فرا گرفت"⁶ اما دکتر عبدالرحمن قاسملو در کتاب کردستان و کرد چنین مینویسد "امروز علم ثابت کرده که کردان از نوادگان گروههای گوتی

1
2
3
4
5
6

و لولویی هستند⁷ اما نویسندگان دیگر نیز اشاره به این میکنند که دولتهای بعد از دولت گوتی نیز از همان نژاد بودند. ویلیجیفسکی مینویسد "گوتیها را پدربزرگ کردهای امروزی می‌شمارند، گروههای گوتی در درست شدن دولت ماد سهیم بودند"⁸ حال که به مادها رسیدیم باید مختصری نیز در مورد دولت ماد توضیح داد. "نخستین دولت دادگستری را مادها یعنی نیاکان کردهای امروزی در سرزمین خودشان ایران زمین بنا نهادند"⁹ نیاکان ملت کرد با هرگونه ستم انسان بر انسانی دیگر مخالف بودند" از امپراطوری ماد و سده هفتم پیش از میلاد سیستم برده‌داری به شیوه کلاسیکی در کردستان وجود نداشته است.¹⁰ مادها با برده‌داری مبارزه کردند، بر علیه ظلم آشوریان قیام کردند، آشوریها را برای همیشه نابود کردند، اولین ارتش منظم را بوجود آوردند و کم کم شروح به گسترش مناطق تحت نفوذ خویش کردند. "مادها در نتیجه اعمال سیاست کشورگشائی اراضی جنوب و باختر دریاچه ارومیه را بدست آوردند."¹¹ و این زمان است که شاهد شکوفایی دینی به نام زرتشت در درون دولت ماد هستیم. "زرتشت در سال(660 ق.م) در ارومیه امروزی به دنیا آمده و در همانجا نیز بزرگ شده است"¹² البته در مورد تاریخ صحیح تولد زرتشت اختلافات زیادی وجود دارد و بعضی معتقد هستند که خیلی پیشتر زرتشت به دنیا آمده و دین او در زمان مادها فقط ترویج شده است اما در مورد محل تولد او بیشتر منابع در مورد اینکه در ارومیه از مادر تولد شده است متفق هستند. اما زرتشت که دین یکتا پرستی را در بین مادها رایج کرد به زبان کردی تکلم کرده است.

"چونکه زبان اولیه اوستا کردی بوده است آن مترجمهایی که اوستا را ترجمه کرده‌اند به قدر کافی از زبان کردی آگاه نبوده‌اند ترجمه آنها با متن اصلی فاصله زیادی پیدا کرده است"¹³ اما برای اثبات این نکته که زرتشت کرد بوده و در خاک کردستان دین خود را به پیروان خود عرضه کرده و در ارومیه ساکن بوده اشاره به این منبع می‌نمائیم "دهستان ترگور از شهرستانهای ارومیه کنار مرز ایران و ترکیه است در روستای انبی (Anbi) چهل و پنج کیلومتری شمال غربی سلوانا صومعه‌ای که به مدفن مادر زرتشت پیامبر مشهور است."¹⁴ اکنون که مشخص شد آن استانهای که اکنون آذربایجان است قسمت کوچکی از خاک ملت کرد و کردستان است که در طول هزاران سال ملت کرد ساکن آن بوده‌اند، حتی بعد از مادها نیز دولتی مانند هخامنشیان که همه تلاش خود را برای محو نام مادها از دیوانسالاری آن زمان کرد، نتوانست این مطلب را نادیده بگیرد. "کوندور شیوه کهن واژه قطور در منطقه شکاک است این اصطلاح جغرافیای ماخوذ از نام خداوند کنده است. شهر کوندور به عنوان يك شهر مادی در کتیبه بیستون به ثبت رسیده است."¹⁵ با بررسی این اسناد به این نتیجه میرسیم که کردان و ان قسمتی از کردان که شکاک خوانده میشوند در طول تاریخ ملت کرد ساکن کرستان شرقی و حتی کردستان شمالی تا هکاری بوده‌اند. "بخش شمالی حاشیه غربی ایران به مناسبت مردمی که در آن سکنا گزیده‌اند؛ کردستان نامیده میشود. کردها از اقوام قدیم هند و اروپایی و از ایام بسیار قدیم در این ناحیه مسکن دارند."¹⁶ با وجود این همه اسناد تاریخی باز هم شاهد تحریف تاریخ توسط نویسندگان ایرانی هستیم. دکتر محمد امین

7
8
9
10
11
12
13
14
15
16

ریاحی در کتاب تاریخ خوی چنین مینویسد "نخستین بار نام قلعه قطور به سال (624 ه.ق) در تاریخها آمده است."¹⁷ ولی اشاره به هیچ منبعی نمی نماید و این همان روش قدیمی تلاش برای کم رنگ کردن وجود ملت کرد و تحریف این مطلب که ملت کرد پیش از هر ملت دیگر در این سرزمین ساکن بوده اند.

"فلسفه تاریخ فقط حاوی يك نکته است و آن هم تحقیق تاریخی از دیدگاه فکری و واقعبینانه است"¹⁸ اما پس از مقدمه کوتاه از تاریخ ملت کرد به قسمتی دیگر از تاریخ این ملت و این سرزمین رجوع می کنیم بعد از هجوم اعراب به میان رودان و نابودی تمدن کهن این منطقه کردستان نیز از این هجوم در امان نماند. بعد از صدها سال تلاش اعراب برای ادغام تمدن و فرهنگ ملت کرد که در طول هزاران سال به وجود آمده بود، و تلاش برای نابود کردن دین زرتشت که پس از صدها سال تغییرات زیادی در آن به وجود آمده بود. هنوز ملت کرد از هجوم اعراب نفس راحتی نکشیده بودند که کردستان از دو طرف مورد هجوم دو قبیله از صحرائشینان آسیای میانه و قفقاز قرار گرفت. هجوم ترکهای قفقازی از شمال و هجوم ترکهای مغولی از شرق. این دو هجوم نیز چند صد سال طول کشید، فقط تفاوت آن با هجوم اعراب این بود که پیشتر اعراب به سرزمین خویش باز گشتند. اما ترکها برای ماندن آمده بودند و این خود مشکلاتی را برای ملت کرد به وجود آورد از جمله تلاش ترکها برای اینکه حال که از سرزمین خود بیرون رانده شده اند در آنجا که مسکن گزیده اند، زبان و فرهنگ خود را غالب کنند. در تقسیم بندی زبانها، محمد معین زبان ترکی را در کنار زبان چینی و مغولی قرار میدهد "زبانهای آسیای وسطی و آسیای خاوری (1) چینی (2) ترکی (3) مغولی"¹⁹ اما تفاوت مهاجرین با ساکنین در چیست؟ "بیشتر مهاجران دنیا در آن موقعی که مهاجرت می کنند حسی ناسیونالیستی در درون آنها به وجود می آید، نیرویی درونی آنها را به سرزمینی که به جای گذاشته اند، پیوند میدهد و محرکی پنهان میاید و آنها را به آن تاریخی باز می گرداند که از آن فرار کرده اند."²⁰ ترکها نیز سرزمین اولیه خویش را فراموش نکردند و همیشه تلاش کرده اند این نقطه ای که در آن ساکن شده اند با سرزمین مادری خویش پیوند دهند و هرگز در این مورد فکر نکرده اند چگونه میتوانند خاک ملت دیگری را تصاحب کرد و این خاک را که هزاران کیلومتر از سرزمین اصلی ما دورتر است به سرزمین مادری وصل کرد. ترکها در کردستان سیاست زمین سوخته را دنبال کرده اند، مردمان را کشتند، روستاها را ویران کردند، مزارع را به آتش کشیدند و قسمتی از این مهاجرین در کشور کنونی ایران و قسمت دیگر از آنها در آسیای صغیر ساکن شدند.

اما مهاجرین جدید ایران و آسیای صغیر چه مسیری را دنبال کردند؟ هجوم آنها تا کنون چه زیانهای را به ملت کرد و جنبشهای آزادیخواهی این ملت وارد آورده است؟ با وجود اسناد تاریخی بررسی می کنیم. مینورسکی در مورد هجوم ترکها چنین می نویسد: "در اول سده یازدهم میلادی ترکهای اوغوز وارد مراغه و جغتو شدند و در سده سیزدهم میلادی مغول آمدند."²¹ ابتدا از ترکهای ساکن ایران بحث میکنیم که حکومتهایی مانند صفویه، افشار و قاجار را به وجود آوردند. بیشتر مورخین کرد بر این نکته تکیه می کنند که بزرگترین لطمه به ملت کرد از شروع حکومت صفویه بوده است و بزرگترین مقطع در تقسیم خاک کردستان را، شکست شاه اسماعیل صفوی در جنگ چالدران در سال (1514) و پیمان ننگ آور آماسیه در (1555) می دانند. "دویست و بیست سال سلطنت خاندان صفوی بر ایران که از سال (907) تا

17
18
19
20
21

1135 ه. ق - 1501 تا 1722 م) به طول انجامید. یکی از خونبارترین و پرماجرترین دورانهای تاریخ کشور ماست که آنطور که باید و شاید شناخته نشده است.²² اما این دویست و بیست سال با چه حیل و ترفندهای و قتل عامهای همراه بود. خاندان صفویه سنی، مذهب شیعه را وسیله سرکوب گروهی از مردم و جلب توجه گروهی دیگر قرار دادند. "نوشیدن شراب در کاسه سر دشمنان، شورها و کباب کردن جسد مخالفان، تربیت افراد آدم خوار، ادعای الوهیت شاه اسماعیل، وادار کردن مریدان به خودکشی، قتل عامهای متعدد در شهرهای ایران، قتل دانشمندان سنی، فسادهای جنسی و اخلاقی که تا آن زمان سابقه نداشت برخی از این جنایتها در کردستان انجام گرفته است."²³ اما بعد از این همه جنایات باز هم تلاش ترکها برای اینکه سرزمین بیشتری را تصاحب کنند ادامه داشت. "در زیر سلطه ترکمن ها و حتی صفویه عنصر ترك منطقه تقویت شد. در سالهای(1019 ه - 1610م)²⁴ اما تلاش برای ادامه مهاجرت و نابودی ساکنین همچنان ادامه داشت و حتی بعد از صفویه، نادر شاه نیز در این راستا تلاش کرد." دولتهای غاصب در تمام جهان در طول تاریخ اشتباه نکرده‌اند که هر سرزمینی را که تصاحب می کردند پیش از هر چیز تلاش می کردند زبان ملتهای آن منطقه را از بین برده و تلاش بی وقفه برای تثبیت زبان خودشان کرده اند."²⁵ اما نادر شاه چه کسانی را به کردستان آورد؟

"در زمان حکومت نادرشاه عده‌ای از عشایر افشار اقوام شاه و ترك مقدم در شرق جغتو ساکن شدند."²⁶ بعد از افشار زندیه حکومت کردند اما اندیشه دولتی آرام و دور از کشمکش و سرکوب که کریم خان در صدد تلاش برای به وجود آوردن آن بود با مرگ او به پایان رسید. شاهزادگان زند به جان هم افتادند و لطفعلی خان زند سردار بزرگ تاریخ زند مورد غضب آقا محمد خان قاجار قرار گرفت. خان قاجار از قبیله قاجار ساکن استرآباد گرگان بود که در حمله مغول به ایران آمده بودند گرچه "تیمور لنگ با آن نیرو و توان خود نتوانست کردستان را فتح کند."²⁷ اما به قدرت رسیدن خان قاجار و تفاوت مذهبی و نژادی او با ملت کرد او را بر این داشت تا سیاست گذشتگان خود را دنبال کند. "در زمان قاجار ایل قره پایاغ فراری گرجستان در "سولدوز" ساکن شدند."²⁸ اما چرا آنها از گرجستان به کردستان آمدند؟ این قبیله هم مانند نیاکان خود از تاریخ خود فرار می کردند و در زمان حمله آقا محمد خان قاجار به گرجستان به خان قاجار کمک کردند، اما خان قاجار در ایران چه کرد و چگونه به گرجستان رسید؟ ابتدا آنچه در توان داشت بر علیه خان زند به کار برد که تاریخ از بازگو کردن آن شرم دارد.

"آقا محمد خان قاجار وارد کرمان شد و دمار از روزگار مردم بینوای آن شهر بر آورد و امر داد تا هشت هزار نفر از زنان و دختران شهر را میان سپاهیان قاجار تقسیم کردند و عده کثیری را به قتل رسانیدند و جمعی را کور کردند."²⁹ پس از اینکه خان قاجار چنین زهر چشمی از مردم ایران گرفت سلطنت خود را تاسیس کرد و حکومت خود را بر پایه قتل و کشتار مردم ایران بنیان نهاد. "آقا محمد خان قاجار روز یکشنبه یازدهم ماه جمادی الاول سال(1200 ه.ق) که روز عید نوروز و مطابق با سال(1785 م) بود در تهران به تخت سلطنت جلوس کرد و همان روز فرمان مربوط به اینکه

22
23
24
25
26
27
28
29

تهران پایتخت آقا محمد خان قاجار است صادر گردید³⁰. خان قاجار پس از اینکه آرامشی نسبی در مرکز به وجود آورد به فکر گسترش نفوذ خود افتاد و بخشی از پروژه او گرجستان بود.

"آقا محمد خان فاجعه کرمان را در تفلیس تجدید نمود و برای عبرت سایر امرای قفقازیه یا جلب محبت مسلمانان آن ناحیه و یا اصولاً بنا به تعصب مذهبی که داشت حکم به قتل عام و تاراج اموال مردم تفلیس داد." ³¹ این قتل عام ها و تاراج و چپاول بر سرداران سپاه قاجار ناآثار منفی گذاشت و ظلم و ستم خان قاجار عاقبت به نابودی او انجامید. بطروشفسکی می گوید: "آقا محمد خان در ماه می سال (1797 م - 1212 ه.ق) در شهر شوشه هنگام شب در خواب به دست عده‌ای از درباریان و خوانین که از طرف او به جان خویش بیمناک بودند، کشته شد." ³² اما نظرات دیگری نیز در مورد مرگ خان قاجار وجود دارد. سرپرسی سایکس چنین می نویسد: "آقا محمد خان قاجار که در سال (1797) می خواست یورش ببرد و جورجیا را فتح کند در چادر خویش در نزدیک شهر شوشی کشته شد و تهمت کشته شدن او را به صادق خان شکاک نسبت دادند." ³³ چنین استنباط می شود دشمنی مابین خاندان قاجار و شکاک تنها مربوط به اسماعیل آقای مشهور به (Smko) نیست، بلکه ریشه تاریخی دارد. البته این مدرک این را نیز ثابت می کند که خانواده شکاک چندین نسل در تاریخ معاصر ملت کرد و منطقه وجود فیزیکی داشته‌اند و توانسته‌اند تأثیر گذار باشند. اما خاندان قاجار از این کشته شدن آقا محمد خان به سادگی نگذشتند و چندین نسل در مورد انتقام آقا محمد خان از خاندان شکاک نابود شدند. از جمله کشته شدگان، می توان از اسماعیل آقای اول نام برد. "منظور از اسماعیل آقا اولین سرکرده نامدار شکاک است در تاریخ، که در سال (1816 م) از طرف مسئولین دولت ایران ترور شد." ³⁴ این حرکت نشان می دهد که سرداران کرد در طول تاریخ با ترك تازی شاهان ایران مخالف بوده‌اند و در مقابل هرگونه ظلم و ستم آنها ایستادگی کرده‌اند و کشته شدن اسماعیل آقای اول صد سال پیش از به قدرت رسیدن اسماعیل آقای معروف به (Smko) در این راستا میباید. و این تلاشها و جانفشانیها بود که این جمله را آفرید "رهبران کرد همیشه به عنوان مبارزین برجسته بر علیه استبداد به حساب می آمدند" ³⁵.

تلاش بزرگان ملت کرد برای آزادی ملت خود از چنگال مهاجمین و ادامه حرکت مهاجرت قبایل دیگر به کردستان در طول چند صد سال گذشته باعث نابودی میلیونها نفر انسان در طول تاریخ این سرزمین شده است اما ترکان مهاجر به آسیای صغیر چه کردند؟

"عثمانیها خانواده‌ای ترك بودند، در اصل از بیابان نشینهای آسیای میانه هستند. پس از اینکه اسلام آوردند در میان ساهای (1326 تا 1516) میرنشینی را تشکیل دادند. از سال (1516 تا 1924) دولت خلافت اسلامی را تاسیس کردند." ³⁶ ترکهای عثمانی تا زمانی که دین را ابزار سیاسی نکرده بودند، نتوانستند در تسلط بر ملل دیگر پیروزی به دست بیاورند. اما پس از اینکه از حربه دین استفاده کردند توانستند خاکی را که تصاحب کرده بودند و ساکنان آن را نابود کرده بودند به میرنشین تبدیل کرده بودند به دولت تبدیل کنند و مانند ترکهای ایران از هر وسیله و هر حربه‌ای برای رسیدن به قدرت و تشکیل دولت ترکی دریغ نکردند. "در سده نهم هجری عثمانیها نواحی شاربازیر تا اربیل و کوی

30
31
32
33
34
35
36

سنجق حریر، عمادیه و رواندز را از ایالت اردلان جدا کردند. ولی جنگی میان دو طرف در نگرفت و در سال (862 هـ. ق) مامون بیگ والی اردلان از نو این مناطق را از عثمانیها باز پس گرفت³⁷ در طول تاریخ پانصد سال گذشته ملت کرد حدود چهل ایالت از ایالات کردستان توسط دولتهای ترک ساکن آسیای صغیر و ایران از بین رفته است. از جمله این ایالات، اردلان، سوران، بادینان، هکاری و غیره... و علت این نابود شدن این بود که ایالات کردی حاضر نبودند به هر قیمتی دولت کردی را تاسیس کنند. به قیمت قتل و غارت و تجاوز و نابودی ملل دیگر، اما ترکها این سیاست را دنبال کردند که کار به جای رسید که شهریار شاعر ترک می نویسد: "که تازی ترک تازی کرد" یعنی سواران ترک مظهر سنگدلی و ترس و وحشت و نابودی بوده‌اند. در طول صدها سال هر چه خواسته‌اند کرده‌اند. و از هیچ جنایتی دریغ نکرده‌اند.

اما تلاش ملت کرد برای درست کردن دولت ملی خود ادامه داشت. یکی از بزرگان ملت کرد میر محمد پاشای رواندز است که قدرت و شهرت او به جای رسید به نام خود سکه ضرب کرد و دولتی مستقل بوجود آورد و نام خلیفه عثمانی را از خطبه نماز جمعه حذف کرد. "محمد پاشای رواندز دولتی بزرگ و پیشرفته را بنیان نهاد و تاریخ کردها را تازه کرد. وقتی که او توپ و همه نوع اسلحه‌ای را در رواندز تولید می کرد، ترکها و فارسها حتی فشنگ درست کردن هم بلد نبودند. بلکه ترکها اسلحه از آلمان و فارسها از روسیه تهیه کردند." ³⁸ وقتی که خلیفه عثمانی نتوانست از طریق نظامی او را شکست دهد. با حيله او را به دارالخلافه دعوت کرد و نقشه نابودی او را کشید. "در سفری که میر رواندز به دعوت خلیفه عثمانی به استانبول داشت در برگشت در شهر ترابوزان به دست چند نفر از حقوق بگیران دولت در سال (1836) ترور شد." ³⁹

بعد از میر رواندز جنبش دیگری توسط میر بدرخان بر علیه ستم عثمانی بوجود آمد که ان هم با حيله دولت عثمانی با شکست روبرو شد. بعد از میر بدرخان یکی از کسانی که خود در شکست حيله دولت عثمانی با شکست روبرو شد. بعد از میر بدر خان یکی از کسانی که خود در شکست میر بدر خان سهم داشت یعنی یزدانشیر سر به شورش برداشت و خود جنبشی را بر علیه عثمانی رهبری کرد که جنبش او نیز درهم شکست. تا سال (1880) غیر از جنبش شیخ عبیدالله نهری جنبش دیگری به آن قدرت و توان دیده نشد. جنبش شیخ عبدالله یکی از بزرگترین جنبشهای ملت کرد است که دامنه آن نیز به ایران کشیده شد و علت آن فشارهای عثمانی و ایران بر کردان بود. "در طول سالهای (1878 تا 1880 م) تنها در منطقه هکاری ده هزار تن از گرسنگی مردند تنها به این دلیل که برای آزادی تلاش کرده بودند." ⁴⁰ البته باید این مطلب را در نظر گرفت ظلم و ستم دولتهای ترک ساکن آسیای صغیر و ایران پای ملل و دول دیگر را به این منطقه گشود و دولتهای استعماری دیگری نیز شرایط را برای بسط سلطه خویش فراهم دیدند. ایران و عثمانی با خرید اسلحه از آلمان و روسیه و بریتانیا پای این دولتها را در دو امپراتوری ایران و عثمانی گشودند و این بازار بزرگ اسلحه که هدف ان کشتن کردان بود، آنها را وسوسه کرد.

خاک کردستان سنگینی دهها هجوم و هزاران جنگ و میلیونها کشته را بر دوش خود کشید. اعراب، ترکها، مغولها، روسها، بریتانیاییها و حتی آلمان و فرانسه، برخوردار همه قدرتها در این منطقه بود. بعد از جنبش شیخ عبیدالله اروپا به مقطعی از تاریخ خود بنام صلح مسلح روبرو شد و آرامشی نسبی تا جنگ اول جهانی به وجود آمد. اما کردستان

37

38

39

40

نتوانست از این آرامش موقت نیز استفاده کند و همیشه میدان جولان دولتهای قاجاری و عثمانی و روسیه تزاری بود. "ناسیونالیسم کردی مانند جنبشی که بیشتر در زیر فشار ناسیونالیسم ملت‌های همجوار نوعی از ناسیونالیسم مدافعه‌انه را بوجود آورده و رشد کرده است."⁴¹ این همه هجوم و جنگ سلطه دولتهایی که هیچ حقوقی برای ملت کرد قائل نبودند، خاک این ملت را میدان جنگ و جولان خود قرار داده بودند و در این چنین شرایطی سرداران کرد چه تصمیمی می گرفتند؟ و آیا تسلیم میشدند تا زبان و فرهنگ و تمدن هزاران ساله آنها را نابود کنند یا در برابر چنین شرایطی مقاومت می کردند. رضا بیگدلو چنین می نویسد: "معمولاً ملت مرکب از مردمی است که همگی به زبان واحدی سخن می گویند و یا دارای ریشه‌ی نژادی مشترک، تاریخ مشترک، دیانت مشترک، سرزمین جغرافیای مشترک هستند و یا خود در را مواجه با خطر خارجی مشترک می بینند مهمتر از همه خود را ملتی واحد می‌شمارند که دارای سرنوشت مشترک هستند."⁴² ملت کرد خود را روبرو با هجوم دو طرفه ترک‌های ایران و عثمانی دید که دولتهای مجاور و اروپائی نیز بر آن افزوده شده بود و این فشار چند جانبه، ناسیونالیسمی مخصوص به ملت کرد را بوجود آورد. "طبیعت ناسیونالیسم از ابتدا در جوامع دارای دو روش و یا دو متود بوده است. یک ناسیونالیسم امکان دارد به شیوه علمی و عقلانیت باشد یا به شیوه توتالیتر یا میلیتار، که هر دو روش برای یک هدف مشخص تلاش می کنند و آن هم ثابت کردن شناسنامه ملی و ساختار سیاسی مستقل برای درست کردن دولت ملی می باشد."⁴³ که متأسفانه ملت کرد روش اول را برگزید و تلاش کرد که از راه گفتگو و عاقلانه با مهاجرین یا مهاجمین وارد معامله شود که به کشته شدن سرداران و بزرگان ملت کرد انجامید.

در مورد جنبش اسماعیل آقا (smko) آمیزه‌ای است از حس کردیت و سلطه جویی که در دوران پیر هرج و مرج و بحرانی ظهور کرده است."⁴⁴ اما اسماعیل آقا که در سال (1880م) در زمان اوج جنبش شیخ عبیدالله به دنیا آمده بود در یکی از خانواد‌های بزرگ کردستان شرقی متولد شده و آن طور که اشاره شد چند نسل آن خانواده در جنگ با ظلم و ستم خاندان قاجار جان فدائی کرده بودند، پرورش یافت. این بار هم اسماعیل آقا بر علیه ظلم و ستم قیام کرد. او که آگاه به شرایط آن زمان بود و جدیدترین تحولات منطقه و جهان را دنبال می کرد نتوانست بیشتر از این سلطه و جور قاجار را تحمل کند. "چندین جنبش بر علیه حکومت شاهنشاهی در آن سالها به وجود آمد که هدف آن مقاومت در برابر آن همه ظلم و ستم، عامل آن بود. مهمترین آنها جنبش اسماعیل آقا است که پرچمدار فکری ملی ناسیونالیستی بود."⁴⁵ جنبش اسماعیل آقا با چند مشکل جدی روبرو شد. انقلاب مشروطه در سال (1905 م) و جنگ اول جهانی در (1914 تا 1918م) مهاجرت آشوریها در (1915م) انقلاب بلشویکی در (1917م) هرکدام از این اتفاقات بحران بزرگی را در مسیر جنبش اسماعیل آقا قرار دادند. جنبش اسماعیل آقا اگر این سنگ‌های بزرگ را بر سر راه نداشت و توان مالی و نظامی او در این مسیر مصرف نمیشد به راحتی دولت مستقل کرد را تشکیل داده و نیرویی نیز در منطقه در مقابل او قرار نداشت. ابتدا انقلاب مشروطه که پدیده‌ای صادراتی بود عاملین خود را نیز همواره خود به ایران آورد. از جمله حیدر عمواغلی و یپرم خان سردار و به گفته احمد کسروی مجاهدین قفقازی، که فکر و اندیشه آنها به نتیجه رساندن انقلاب مشروطه ایران بود. اما کسی نبود بپرسد که انقلاب مشروطه ایران با مسیحی ها و ارامنه قفقازی و ترور و بمب

گذاری چه ارتباطی دارد؟ و اینها چه نوع مجاهدی هستند؟ "در سالهای (1898 تا 1900م) مباحثات مارکسیستی میان حیدر خان، آنوکیدزه و یوسف جوگاشویلی (استالین) میخا ستکایا، فیلیپ مزارادزه، و دیگران گاه تا بعد از نیمه شب ادامه داشت."⁴⁶ همین حیدر خان بود که در ایران به حیدر عمواغلی مشهور شد و کار او تا جای بالا گرفت که "کسی که ستارخان همیشه در باره‌اش می گفت هرچه عمواغلی بگوید همان است."⁴⁷

اما سردار ملی و سالار ملی از دید مجاهدین قفقازی چه کسانی بودند؟ پیرم خان می گوید: "تا فراموش نکرده‌ام این نکته را نیز یاد آور شوم درست در هنگامی که در گرما گرم جنگ بودیم، سالار ملی با يك عده سوار پشت سر ما دهات را یکی پس از دیگری غارت می کردند و غلات اهالی را برای فروش به این طرف و آن طرف می فرستادند."⁴⁸ بله مجاهدین ایرانی و قفقازی به این روش انقلاب مشروطه را برای ایران به ارمغان آوردند. اما خود حیدر خان در ایران چه کرد؟ یکی از شاهکارهای او ترور اتابک است. "ماجرای عبرت انگیز در واقعه ترور تائبک اینست که وی درست در همان روزی که قرارداد شوم تقسیم ایران بین روسها و بریتانیا در پترزبورگ روسیه به امضا رسید به ضرب گلوله عباس آقای آذربایجان جان سپرد."⁴⁹ اما چرا تائبک، او که در تقسیم ایران نقشی نداشت در ثانی مرگ او به نفع دول تقسیم کننده بود و عباس آقا آذربایجانی از ماموران حیدر عمواغلی بود که توسط خود او پس از ترور تائبک کشته شد.

پس از این ماجرا "حیدر خان در سال (1919م) در پتروگراد به نام مستعار (رجب بومبی) در میتینگ بین المللی کارگران به عنوان نماینده حزب انقلابی ایران سخنرانی کرد."⁵⁰ کسانی مانند پیرم و حیدر عمواغلی به چشم خود دیدند که شاهان قاجار با آن ناتوانی بر ملت ایران حکومت می کنند و چرا این خان یغما به جنگ آنان نیاید؟ و آنها از این سفره رنگین بهره‌مند نشوند اما پس از بازگشت به ایران بدون آگاهی از این موضوع که جنبش جنگل و جنبش اسماعیل آقا باهم رابطه‌ای دارند و همگی مطلع از این موضوع هستند که حیدر خان عمواغلی در جعبه شیرینی، بمب برای ترور اسماعیل آقا فرستاده که سهواً برادر اسماعیل آقا کشته شده است به گیلان رفت که توسط نیروهای جنگل به کیفر کار خود رسید. "حیدرخان عمواغلی در حین فرار به رشت دستگیر و به جنگل برده شد و به دستور حسین خان معین الرعایا کشته شد."⁵¹ اما بعد از حیدرخان پیرم خان به چه سرنوشتی گرفتار شد؟ در کتاب آبی چنین آمده است: "مراسله سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه (13 اوت 1909) [21 مرداد 1288 – 26 رجب 1327] از قلهک تهران در 17 ماه مجلس عالی خلع محمد علی شاه و انتخاب سلطنت و تعیین ولیعهد سلطان احمد شاه را اعلان کرد. بعد از کابینه چندین انتخاب خوب هم صورت گرفت از قبیل انتخاب رئیس معروف رولوسیونرهای قفقاز موسوم به پیرم به ریاست پلیس."⁵²

ولی يك نکته باید مورد توجه قرار گیرد و آن اینکه چرا باید انتخاب پیرم خان روسی و مجاهد قفقازی و یاور مشروطه باید مورد علاقه دولت بریتانیا باشد؟

حتی خود اسماعیل رائین که دو کتاب در مورد حیدر عمواغلی و پیرم خان نوشت نتوانست سر از راز زندگی آنها در آورد. "بسیاری از رازها زندگی پیرم و تاریخ مشروطه هنوز بر ما پوشیده است. هنوز به درستی نمیدانیم چگونه پیرم

46
47
48
49
50
51
52

بیست هزار کیلومتر دشتهای یخ بسته سیبری را در جریان تبعید و فرار خود پشت سر گذاشت. هنوز از دستهای مرموزی که حادثه پارك اتابك را به وجود آوردند، آگاهی درست نداریم.⁵³ پیرم خان پس از جنگ در رشت و قزوین و پوشاندن ترورهای حیدر عمواوغلی در زمانی که رئیس پلیس تهران بود جنگ با محمد علی شاه و جنگ با سالار الدوله در عاقبت به ضرب گلوله به یکی از شورشیان از پای درآمد. چه هدفی عامل این همه تلاش بود؟ چرا هزاران کلیومتر دورتر از سرزمین خودم پیرم و حیدر عمواوغلی و قفقازیها و ارمنیها تلاش بی وقفه کردند؟ در زمانی که اینها در ایران بودند تلاش دولت روس و بریتانیا و گرفتن امتیازات بیشتر از شاهان قاجار زودتر به نتیجه میرسید. "دولت روس جنبش مشروطه ایران (1905 تا 1911) را به فرصت داشته برای اینکه در سال (1909م) قسمتهای زیادی از خاک کردستان را تصرف کند."⁵⁴ و اما جنگ اول چه تأثیرات مخربی بر جنبش ملی کرد گذاشت؟ "از سال (1912م) تا پایان جنگ اول جهانی امکان دارد بیش از پانصد هزار کرد در قلمرو ترکیه کشته شده باشند. اگر کردهای عراق و سوریه و روسیه را نیز بر آن بیفزاییم حدود یک میلیون کرد کشته شده‌اند."⁵⁵ اما اگر بخواهیم حجم عظیم ضرر و زیان جنگ اول را محاسبه کنیم به منبع دیگری رجوع میکنیم. "زیانهای جنگ اول جهانی در طول سالهای (1914 تا 1918م) عبارت بود از این قرار، دولت‌های شرکت کننده در جنگ: 36 کشور، آمار کسانی که در جنگ شرکت کردند: یک میلیارد نفر، آمار مبارزین جنگ: هفتاد میلیون نفر آمار کشته شدگان: ده میلیون نفر، زخمی و ناقص: بیست میلیون نفر"⁵⁶ اما نکته قابل تامل این است که کردستان مانند یک دولت در جنگ شرکت نکرد. یک دهم از تمام کشته شدگان جنگ اول از ملت کرد بود. بعد از این همه تلفات در پیمان صلح ورسای هیچ حقی برای ملت کرد قائل نشدند. کدام ملت برای تشکیل دولت ملی خود به اندازهی ملت کرد آسیب دیده است؟ و کدام ملت این همه جان فدائی در تاریخ خود به ثبت رسانده است؟ یکی دیگر از مشکلات جنبش اسماعیل آقا و ملت کرد این بود که در میانهی جنگ اول مهاجرت دیگری صورت گرفت. عدهای از آشوریهای مسیحی در (1915م) وارد خاک کردستان شرقی شدند. ارقام متعددی در مورد آنها وجود دارد. محمد تمدن آمار سی هزار کس را نوشته است. عدهای دیگر تا پنجاه هزار کس را نوشته‌اند اما مساله مهم این است در زمان جنگ و هجوم، روس از شمال و بریتانیا از جنوب این مهاجرت باعث افزوده شدن بار جنگ بر گرده مردم کردستان شد. آشوریها از حمایت بریتانیا و ارامنه داخل خاک ایران برخوردار بودند و به شدت فقیر و گرسنه و بدون کمترین امکانات زندگی بودند و نتوانستند از برخورد نظامی با کردان احراز کنند. البته پیشتر مقدمه جنگ با کردها توسط ارامنه ساکن ایران فراهم شده بود. "وقتی که سپاه ایران در سال (1906م) هجوم گستردهای را برای سرکوبی کردها انجام داد. مسیحیهای این منطقه (تهرگه‌وهر و مهرگه‌وهر) ترگور با دولت ایران همدست شدند اما با این توأصیف نیز از کردان شکست خوردند."⁵⁷ اما این مهاجرین بعد از مدتی توسط بریتانیا و روس کاملاً تجهیز شدند زیرا هر کدام تلاش میکرد که این مهاجرین را به طرف خود بکشاند و علت مهاجرت هم سالهای سال تلاش مسیونرهای روس و بریتانیایی و فرانسه و آلمانی برای ترویج دین مسیحیت و وعدهی تشکیل دولت مسیحی نشین بود که هر کدام از این دولتها مذهبی از مذاهب دین مسیح را داشتند و بعد از عثمانی سنی و قاجار شیعه نوبت به جنگ مذهبی در بین چهار امپراطوری خارجی بر سر مذاهب دین مسیح در خاک کردستان بود و توانستند نیروی نظامی عظیم برای آشوریها

فراهم آورند. " مارشمعون بزرگ آئینی آشوریه‌ها دارایی 24 هزار نفر نیروی مسلح بود در برابر شش هزار نفر نیروی اسماعیل آقا.⁵⁸ و خواست حیلہ دولتهای قاجار و عثمانی را در مورد اسماعیل آقا به کار ببرد و او را به مذاکره دعوت کرد و اسماعیل آقا در خسروآباد پایگاه مارشمعون او را ملاقات کرد تا در مورد اینکه با این همه نیروی نظامی در کردستان می‌خواهند چه کار کنند؟ از او سوال کند. اما آنچه آخر کار آشکار شد این بود که مارشمعون می‌خواست اسماعیل آقا را به زیر یوغ خود بکشد. به همین دلیل اسماعیل آقا مارشمعون را کشت. " جنگ به مثابه‌ی فرآیند چانه‌زنی و یا نوعی از مذاکرات خشن است و عبارت گویای دیپلماسی خشونت همگی نشان از این دارد که جنگ پایان دیپلماسی نبوده بلکه جزئی از آن است.⁵⁹ گر چه اسماعیل آقا مارشمعون را کشت اما هرگز دست به چپاول و غارت آشوریه‌ها یا ارامنه نگشود. زنان آنان را به کنیزی نبرد. با کشته شدن مارشمعون آشوریه‌ها قسمتی از ارامنه مجبور شدند که کردستان را ترک کنند. اما اسماعیل آقا در صدد تعقیب آنها برنیامد. حتی یکی از دوستان ملت کرد مانند میجر نوئیل مینویسد: امکان ندارد که کردها کشته ارامنه باشند زیرا بسیاری از مواقع آنها را از هجوم ترکها محافظت کرده‌اند.⁶⁰ و نوشته‌ی یک افسر بریتانیایی سند قابل قبولی است که نشان می‌دهد که اسماعیل آقا در صدد نسل کشی آشوریه‌ها و ارامنه و در کل مسیحیها نبوده است فقط دخالت نظامی آنها در کردستان را صلاح ندانسته است. حتی در اوج قدرت اسماعیل آقا در سال (1922م) در حالی که میتوانست آنها را تحت فشار قرار دهد، هیچ اقدامی بر علیه آنها نکرد. حتی رفیق حلمی در مورد آزادی ارامنه در کردستان شرقی چنین مینویسد: "در تبریز محلی را انتخاب کردیم در (25 مارس 1922م) در محله ارمنستان، در این محل از واکسی تا طلاساز و همه حرفه‌ها در اختیار ارامنه قرار داشت.⁶¹ اما همه این مهاجرین یک مشکل مشترک یا یک تقاضای مشترک داشتند و آنهم این بود از ملت کرد می‌خواستند که خاک هزاران ساله خود را ترک کرده یا در این ملل ادغام شوند. و ترکها خاک کردستان را به آسیای میانه و ارامنه خاک کردستان را به ارمنستان متصل کنند و هرگز این فکر برای آنها درست نشده که ملتی که هزاران سال از خاک خود دفاع کرده است و بزرگترین هجومها به آن آسیب رسانده، اما آن را نابود نکرده در برابر چنین هجومهایی نیز مقاومت خواهد کرد. "در نامه دولت بریتانیا به تاریخ (1921/6/28م) از اسماعیل آقا تقاضا شده است که با نماینده‌ی دولت بریتانیا ساکن سلیمانیه در شهر اشنویه ملاقات کند اما اسماعیل آقا در جواب مینویسد: که اگر دولت بریتانیا برای دفاع از ارامنه وارد مذاکره میشود این را بدانند که خونی که ما بین کردان و ارامنه ریخته شده است قابل بخشش نیست و اکنون نمیتوانند در قالب یک دولت با هم زندگی کنند. در این روزها که آسایش و امنیت تمام دولتها را فرا گرفته و همه‌ی دولتها مرز خود را مشخص کرده‌اند هیچ حقوقی به ملت کرد تعلق نگرفته است. اول مرزهای کردستان را مشخص کنید بعداً در مورد مشکلات دیگر بحث و تبادل نظر خواهیم کرد.⁶² به خوبی مشخص است که اسماعیل آقا تقاضای بریتانیا را دانسته است. و پیش از هر چیز، حتی به قدرت رسیدن خود در فکر درست کردن دولتی برای ملت کرد بوده است که مشروعیت بین المللی داشته باشد. "شک در این نیست که جنبش اسماعیل آقا یکی از اصیل ترین جنبشهای ملت کرد برای رسیدن به آزادی است. نامبرده دارای دیدگاهی ملی بوده و تلاش کرده تمام کردستان را آزاد سازد و دولت مستقل کرد را بنیان بگذارد.⁶³ اما انقلاب بلشویکی چه مشکلاتی را برای جنبش ملی کرد به وجود آورد؟ "در سال (1916م) احمدشاه،

58

59

60

61

62

63

اسماعیل آقا را رسماً به حکومت (سؤمای و برادوست) somy – Bradost منصوب ساخت.⁶⁴ این اولین بار است که رسماً دولت ایران حکومت کردان را بر خاک کردستان به رسمیت شناخت. اما این به رسمیت شناختن (smko) را رسماً در برابر دولتهای خارجی قرار داد. اما آنچه دولتهای دیگر و سپاه آنها در کردستان انجام دادند نه (smko) و نه هیچ يك از بزرگان ملت کرد در حق هیچ ملتی حتی دشمنان خود انجام ندادند. "سند شماره 4 تفلیس (22 حوزه‌پیران 1917م) از طرف کولونل (chardigny) فرمانده سپاه قفقاز برای ژنرال جنین – نفوذ روسیه در آذربایجان اشاره به ایجاد وحشت توسط قزاقهای سپاه در آگون (Dragon) در يك روستای کردنشین منطقه خسروآباد نزدیک دیلمان تمام زنان روستا توسط قزاقها جمع شده‌اند و بدون در نظر گرفتن سن و سال همه آنها مورد تجاوز قرار گرفته‌اند."⁶⁵ اسماعیل آقا با وجود چنین دشمنانی و سالهای سال تلاش، خاک کردستان و مردم کرد را حفظ کرد در حالی که کشور ایران دولت مرکزی نداشت. "از طرف شمال ایران مخصوصاً تبریز و طرف جنوب آن مخصوصاً ایالت فارس و سواحل خلیج میدان تاخت و تاز خوبی برای روس و انگلیس گشت و این دو دولت در آن صفحات اقداماتی کردند که به استقلال دولت ایران امانت وارد می‌آورد."⁶⁶ با اشاره به این جمله از دکتر کمال مظهر احمد در مورد اسماعیل آقا مطلب خود را ادامه می‌دهیم. "کافیست دیگر نیاز نیست اسماعیل آقا را متهم کنیم زمان آن رسیده به دنبال واقعیت بگردیم. و کمتر تبلیغات دشمنان را دوباره و هزار باره تکرار کنیم."⁶⁷

نویسندگانی هستند که جنبش اسماعیل آقا را مانند يك جنبش عشایری و عقب افتاده از زمان خود نام می‌برند. اما لازاریف چنین مینویسد: "مهم نیست اگر هر جنبشی شعار مبارزه گروهی را برنداشت جنبشی ترقی خواه نباشد، بدون شك در آن روزگار جنبشهای که فقط هدفشان، آزادی ملی بوده بدون تردید در ردیف پیشین جنبشهای ترقی خواه بودند."⁶⁸ اما بعد از جنگ اول بریتانیا در فکر جلوگیری از رشد اتحاد جماهیر شوروی و جلوگیری از صادر کردن انقلابی همچون انقلاب بلشویکی بود. اتحاد جماهیر شوروی برعکس آن در حرکت بود. دولتهای ایران و عثمانی نیز دشمن قسم خورده اسماعیل آقا بودند. اسماعیل آقا که از همه ناامید شده بود وی میدانیست سیاست آن دولتها با درست شدن دولتی برای ملت کرد مغایرت دارد با دولت دیگری که تازه وارد عرصه سیاست جهانی شده بود وارد مذاکره شد. در روابط دیپلماتیک به وجود آورد. و آن دولت ایالات متحده امریکا بود. "سند شماره 6- وزارت امور خارجه بغداد (4 نیسان 1919) ساعت 16 ، 25 دقیقه شماره رسیده 212— رهبر کردهای شمال شرقی اسماعیل آقا تمام توان خود را برای درست کردن دولت ملی کرد به کار گرفته است و به دکتر پاکارد (D.pakard) میسونیر امریکایی پیشنهاد داده اگر امریکا با کردها همکاری کند و دولت کردی را تأیید کند ایشان نیز همپیمان امریکا خواهد شد."⁶⁹ اسماعیل آقا سیاست فی مابین دولتین را میدانیست و شرایط منطقه و جهان را در نظر گرفته بود و آگاه به این موضوع بود حال که خیلی از این کشورها از امپراطوری عثمانی جدا شده و دولت مستقل به وجود آورده‌اند امکان این نیز هست که اگر کردان بیشتر تلاش کنند به دولت مستقل خود دست یابند. "اسماعیل آقا اولین کسی بود که در کردستان شعار استقلال را سر داد."⁷⁰ اسماعیل آقا خواهان دولتی برای تمام کردستان بود وگرنه او در کردستان شرقی مشکلات را یکی

پس از دیگری پشت سر گذاشته و نیازی نیز به دولتهای دیگر نداشت. "در سالهای (1920 تا 1923م) اسماعیل آقا تمام مناطق شمال کردستان را در زیر نفوذ خود و تحت تسلط داشت و استقلال خود را اعلام کرده و برنامه‌ای که خواسته‌های جنبش ملی کرد را در آن توضیح داده بود در ارومیه منتشر ساخت."⁷¹ اسماعیل آقا که توانسته بود در مقابل دولتهای همجوار مقاومت کند اگر تقاضایی غیر از استقلال برای تمام کردستان داشت پیشنهادهای بهتری غیر از دولت ایران نیز داشت که هرگز نپذیرفت. "جنگ سمکن‌آباد سه دست‌آورد عمده برای اسماعیل آقا به دنبال داشت دستیابی به قطور، حاکمیت رسمی بر منطقه با تائید دولت ایران، افزایش ارج او در چشم روسها و عثمانیها به طور همزمان، دولت عثمانی از سال (1325 ه.ق) که اسماعیل آقا به حکومت قطور رسید پیوسته سعی داشت که آن ناحیه را به چنگ آورد. اما نکته حائز اهمیت در این میان این است که واکنش اسماعیل آقا نسبت به پیشنهادات عثمانی مبنی بر پذیرش تابعیت آن کشور در ازای برخورداری دائم از حاکمیت بر قطور و معافیت از پرداخت مالیات همیشه منفی بود."⁷² اسماعیل آقا سنگینی جنبشهای دیگر قسمتهای کردستان را نیز بر دوش خود کشید و هر آنچه در توان داشت برای اینکه حرکت آنها به نتیجه برسد در طبق اخلاص گذاشت. "در سال (1920م) شیخ قادر از طرف اسماعیل آقا فرستاده شد به دوروبر سقز، چونکه پس از درگیری شیخ محمود و انگلیس، تمام خانواده شیخ محمود آواره شده و به ایران آمده بودند و تقاضای کمک از اسماعیل آقا را داشتند."⁷³ با این حرکت اسماعیل آقا هم به کردان کمک کرد و هم حکومت خود را تقویت کرد. زیرا از حمایت بیشتری از طرف کردان نقاط دیگر کردستان برخوردار شد. "اسماعیل آقا در ابتدای سال (1922م) به شیوه (Defact) حکمران تمام مناطق کردستان و آذربایجان و ارومیه بود. او با کردهای عراق و ترکیه و سایر نقاط ارتباط داشت و از طرف آنها نیز از اسماعیل آقا حمایت میشد و روزنامه‌ای را در شهر مهاباد منتشر میکرد."⁷⁴ همین ارتباطها و روابط بود که دولتهای بزرگ را به لرزه انداخت و تلاش اسماعیل آقا بود که کردان قسمتهای دیگر کردستان با دلگرمی بیشتری تلاش میکردند. "سند شماره (23-0730 C.) روز (1922/7/6) نامه نماینده بریتانیا سرپرسی سایکس برای مسئولین خود در لندن میگوید: خواست استقلال در جنوب کردستان در گسترش است و بی گمان پیروزیهای اسماعیل آقا در ایران این خواست را تقویت میکند."⁷⁵ گرچه دولتهای همجوار و حتی اروپایی از خطر تشکیل دولت توسط اسماعیل آقا آگاه بودند اما "اسماعیل آقا در پاییز سال (1922م) تأسیس دولت مستقل کرد را اعلام کرد."⁷⁶ گرچه دولت مستقل کرد توسط اسماعیل آقا اعلام شد اما با وجود دشمنانی در چهار طرف کردستان هرگز زمینه تثبیت آن حاصل نشد. "در ترکیه در سال (1924م) مجلس تورکیه آتاتورک را به عنوان رئیس جمهور برگزید."⁷⁷ مصطفی کمال که با کمک کردان به حکومت رسید جنایات زیادی در قبال این ملت انجام داد و به این شیوه ادای دین کرد. "آتاتورک به کردها پشت کرد، آنها را ترک کوهی نامید و به سرکوب جنبش حق طلبانه و نسل کشی آنها پرداخت."⁷⁸ ارتشبدحسین فردوست در کتاب قلمرو و سقوط سلطنت پهلوی چنین مینویسد: "آتاتورک نیز مانند رضاخان به سرکوب عشایر دست زد و به قتل و عام عشایر کرد در تورکیه پرداخت و استعمال نام کرد را ممنوع کرد و

71
72
73
74
75
76
77
78

عنوان جدید ترکهای کوهستانی را به کردها داد. گفته میشود که در این قتل و عامها صدها هزار کرد نابود شدند⁷⁹. البته آتاتورک نه در دولت خود بلکه سعی کرد که حقوقی را که عثمانی بعد از سالها جنگ قرار بود به کردها بدهد نابود کند. "در سال(1910م) نقشه‌ای ساخته شد در آن نقشه سرزمین کردستان مانند حدود جغرافیایی و مردم کرد را مانند ملت معرفی کرد. در سال(1924م) وقتی که کنفرانسی در آنکارا بسته شد در ماه مارس ترکها بر اساس آن نقشه اعتراف کردند که موصل، کردستان است."⁸⁰ دولت ترکیه با کردستانی بودن ولایت موصل موافقت کرد اما به این دلیل که با وارد شدن بریتانیا در مسئله موصل هم مشروعیت بیشتری برای سرکوبی کردها به دست می‌آورد و هم از پشتیبانی بریتانیا برخوردار میشد. اما بر خلاف میل دولت ترکیه مردم کردستان جنوبی از نوک سرنیزه سربازان ترک رهایی یافتند. اما رضاشاه "در سال(1925م) احمد شاه را از سلطنت خلع و خود به عنوان شاه پهلوی زمام امور را به دست گرفت."⁸¹ رضاشاه نیز سیاست آتاتورک را دنبال کرد حسن ارفع چنین مینویسد: "در ماه نوامبر بر سر اسماعیل‌آقا هجوم بردیم پنجاه کشته و نه اسیر بر جای گذاشتیم اما اسماعیل‌آقا از یکی از اسرا خواسته بود که شیوهی استقاده از مسلسل را به وی بیاموزد. پس از اینکه طریق استفاده را یاد میگیرد اسیر را آزاد و یک سکه طلا به او هدیه میدهد."⁸² سرداری مانند اسماعیل‌آقا با اسرا چنین برخورد میکرد، این حرکت اگر در تاریخ ملل دیگری بی نظیر نباشد کم نظیر است. جنگ ما بین کردان و دشمنانشان در ایران و ترکیه ادامه داشت. "در (1927/1/31) جنگی در تنگه بتلیس ما بین کردها و ترکها در گرفت که سرانجام با پیروزی کردها به پایان رسید."⁸³ دولتهای همجوار کردستان و اروپاییها با هم متحد شده و به ناجوانمردانه‌ترین شیوه اسماعیل‌آقا را به کمینگاه کشیدند. "به این شیوه سردار بزرگ و توانای ملت کرد با دسیسه و نیرنگ دولت ایران در(1930 م) شهید شد و جنازه اسماعیل‌آقای قهرمان را به ارومیه بردند و به مدت سه روز برای عبرت مردم در میدان شهر او را مرده بر دار کردند."⁸⁴ چنین استنباط میشود که شهر ارومیه در آن زمان مملو از ساکنین کرد بوده و از جنبش ملی خود حمایت میکردند و همین دلیل باعث شده اسماعیل‌آقا را برای عبرت ساکنین ارومیه بر دار بزنند. اما چرا رضاشاه اسماعیل‌آقا را ترور کرد؟ "رضاخان چندین بار به اسماعیل‌آقا حمله کرد و نیروهای زیادی را برای درهم شکستن جنبش او فرستاد که بی نتیجه بود و حتی بدون آگاهی مقامات ترکیه نماینده فرستاد تا با اسماعیل‌آقا وارد مذاکره شوند. و برای او قسم خورد که تمام آبادیهای او را باز گرداند با کردهای کردستان شرقی هر طوری که اسماعیل‌آقا درست بداند معامله کند. فقط به شرطی که اسماعیل‌آقا به خاک ایران باز گردد. و اسماعیل‌آقا با اعتماد به تعهدات او برگشت. رضاخان از اسماعیل‌آقا میترسید و به همین دلیل در اشنویه برای او کمین گذاشته و او را کشتند."⁸⁵ تمام تاراج و چپاولی را که به اسماعیل‌آقا نسبت میدهند بی اساس است زیرا همه ثروت او در حین مرگ اینها بودند "بعد از اینکه اسماعیل‌آقا ترور شد محافظ او (هه‌رچو—Harcho) تلاش کرد که او را از تیررس سربازان ارتش ایران برهاند. اما اسماعیل‌آقا گفت جانی در بدن نمانده است و تازه از این میدان بیرون نمیتوانم بروم اگر میتوانی ساعت و انگشتر و خنجر و تسبیح را با خود ببر و به گلizard خواهرم برسان که همسر سید طاها شمزینی است. چونکه ساعت متعلق به پدرم و انگشتر و خنجر متعلق به جعفر آقا برادرم و تسبیح متعلق به

گل‌یزاد خواهرم است نگذار دست دشمن به آن برسد.⁸⁶ اسماعیل آقا که دشمنان او را غارتگر میدانند تمام چپاول او همین بود. اما شاهان ایران در ایران هر چه توانستند به مال و ناموس مردم دست درازی کردند و بعد از فرار هر چه بود با خود بردند. شهادت اسماعیل آقا برای اروپاییان نیز به اندازه دولتهای روسیه و ترکیه و ایران و عراق مهم بود. "روزنامه (Times) (در روز(22 حوزمیران 1930م) نوشت: وزارت جنگ ایران خبر کشته شدن اسماعیل آقا را پخش کرد."⁸⁷ تمام تلاشهای دول همجوار کردستان برای سرکوب کردن جنبش ملی کرد با ترور اسماعیل آقا به نتیجه رسید. (این سه کشور با موفقیت ناسیونالیزم کرد را سرکوب کردند. کردستانهای ایران و عراق در پایان دهه(1920م) آرام شدند. ترکیه آخرین شورش بزرگ کرد را در(1938م) فرو نشاند. ترکیه در برخورد با کردان خشونت بسیار به خرج داد و سرکوب شدید فیزیکی با سیاست جبر اجباری را به هم آمیخت.⁸⁸ پس از مرگ اسماعیل آقا دولتمردان ایران و ترکیه بیشتر بر ملت کرد هجوم بردند و تلاش بیشتری برای قبولاندن اندیشه خود کردند. "محمود اسد وزیر دادگستری ترکیه در سال(1930م) میگوید: ما در ترکیه زندگی میکنیم که زیادتیر از همه کشورهای دنیا آزادی دارد، در این کشور تنها تنها ترک آزادی دارد و آقا و فرمانده است و آنها که از نژاد پاک ترک نیستند تنها یک حق بر گردن ما دارند و آن حق این است که بنده و رعیت باشند و بگذارید دوست و دشمن این را بدانند حتی ترکهای کوهی."⁸⁹ سردار بزرگ کرد با وجود دشمنانی سنگدل با اسرای آنان به نرمش برخورد میکرد و سالها بی وقفه برای احقاق حقوق ملت کرد تلاش کرد و آنها که سعی میکنند جنبش او را عشائیری، عقب مانده و او را یاغی و خونخوار قلمداد کنند اگر حتی از ملت کرد باشند تاریخ در مورد آنها چنین تصمیم میگیرد. "از روزی که هردوت قلم بر کاغذ گذاشت و تاریخ را نوشت تاریخ نویسی نبوده و هرگز هم نخواهد بود کسی که تمایل به سردار توانمند ملت خود نداشته باشد مگر اینکه آن تاریخ نویس پست و خود فروش باشد."⁹⁰ اسماعیل آقا بر جنبشهای سالهای پس از شهید شدن خود نیز تاثیر گذاشت. گرچه پس از شهادت او ملت کرد از پای نشست اما تا جنگ دوم جهانی جنبشی دیگر با توان و قدرت جنبش شهید سمکو در نقاط دیگر کردستان دیده نشد. ولی با تاسیس کوملهی ژ-ک جان تازهی در رگهای جنبش آزادیخواهی ملت کرد دمیده شد. "استراتژی کوملهی ژ-ک عبارت بود از استقلال کردستان و پیوسته شدن قسمتهای دیگر آن و درست کردن دولتی ملی برای ملت کرد."⁹¹ فکر استقلال کردستان مستقل ابتدا به ساکن به وجود نیامد یا توسط دولتهایی مانند روسیه بلشویکی یا بریتانیا در فکر ملت کرد تزیق نشد "بر اثر این عوامل یعنی شعر شاعرانی مانند احمدخان(1706) و حاجی قادر(1898) جنبش آرات و اسماعیل آقا سمکو و جنبش بارزان و به همین شیوه حزب هیوا که مدتی بود در کردستان فعالیت داشت کومله ژ-ک به وجود آمد."⁹² اما کوملهی ژ-ک که قاضی محمد را به رهبری رساند فکر او را نیز می‌شناخت و فکر قاضی محمد از استراتژی کومله ژ-ک جدا نبود. "قاضی محمد طرفدار تشکیل کردستانی بود که قسمتی از شمال عراق و شرق ترکیه و سوریه و جنوب روسیه و غرب ایران را شامل میشد. طبق آن نقشه‌ای که به انگلیسی خوانا نوشته شده بود و پشت سر قاضی محمد نصب بود، خرمشهر، بهبهان، شوشتر، دزفول در جنوب ایران و بندراسکندرون در شرقی ترین نقطه دریای مدیترانه جو کشور کردستان بزرگ محسوب میشد."⁹³ روسیه بلشویکی که بعضی از نویسندگان آن

86

87

88

89

90

91

92

93

را حامی جمهوری کردستان میدانند خود بزرگترین دشمن جمهوری کردستان بود. "میرجعفر عباس ویج باقراف که در سال (1933 م) بعنوان دبیرکل حزب کومنیست آذربایجان انتخاب شد اگر چه او خود استالینی بود و در نژاد پرستی آن روزگار شوروی بی همتا بود، او بود که تلاش زیادی کرد که جمهوری کردستان را دنباله‌رو دولت جعفر پیشه‌وری بکند که بعد از جنگ دوم جهانی در آذربایجان بنیان نهاده شده بود. اما برخورد قاطع و مردانه قاضی‌محمد پیشوای کردستان اجازه به چنین حرکتی نداد.⁹⁴ اما همین باقراف که خود نژادپرست بود منافع ملت کرد با اندیشه او مغایرت داشت. باقراف حاضر نبود که جنبش ملی کرد در خدمت او و منافع ملتش باشد اما ملت کرد به استقلال دست پیدا نکند و جمهوری کردستان به همین دلایل و با وجود دشمنانی همچون روسیه، بریتانیا، ایران و ترکیه و عراق، عمر کوتاهی داشت. همان اتفاقی که برای جنبش سمکو افتاد، در مورد جمهوری کردستان تکرار شد. "تاریخ فقط يك روایت نیست بلکه تکرار واقعیت است، واقعیاتی که در هر عصر تکرار میشوند و تنها بازیگران نقشهای آن تغیر میکنند"⁹⁵ روسها در ابتدا درصد صادر کردن انقلاب بودند و در مرحله دوم می‌خواستند میدان جنگ را از جمهوری آذربایجان دور کنند تا جمهوری آذربایجان آرامش بیشتری داشته باشد. اما استراتژی کومله ژک و اندیشه پیشوا قاضی‌محمد با اهداف روسیه بلشویکی مغایرت داشت. "روسها به کمک قاضی‌محمد در پی ایجاد سازمانی بودند که همان نقش فرقه دمکرات آذربایجان را در میان کردان بازی کند. روسها احساس کردند ویژگی ملی گرایانه ژک با اهداف آنان تناسبی ندارد"⁹⁶ اما این همه تفاوت‌های ما بین باقراف و پیشه‌روی و قاضی‌محمد نبود، اگر چه دولت ایران برای سرکوب هر دو جمهوری هجوم گسترده‌ای را شروع کرد اما برخورد رهبران فرقه دموکرات آذربایجان با رهبران جمهوری کردستان بسیار متفاوت بود. "به هر رو اگر چه فرقه دموکرات آذربایجان و حزب دیموکرات کردستان با سرنوشت یکسانی در سال (1325 هـ) روبرو شد اما از این جنبه با یکدیگر تفاوت داشتند و آن اینکه رهبران کرد در کردستان و ایران باقی ماندند."⁹⁷ البته همان روایت تاریخ است و سران ملت کرد جان فشانی کرده‌اند و آقای‌پیشه‌روی نیز از نیاکان خود پیروی کردند. "محمدخوارزمشاه از مغولها شکست خورد و از پیش سپاه آنها گریخت که بعدها ترکها ایران را تصاحب کردند امپراطوری سنی مذهب عثمانی، صفوی شیعه را شکست داد 3/4 خاک کردستان را به عثمانیها دادند. شاه سلطان حسین صفوی از پیش محمود افغان گریخت. فتح علیشاه از پیش تزار روس فرار کرد. آخرالامر رضاشاه را چگونه آورده بودند به همان صورت او را به جزیره موریس تبعید کردند"⁹⁸ شخص قاضی‌محمد از این مسئله آگاه بود که اگر نیروهای ایران او را دستگیر کنند او را اعدام خواهند کرد. ولی عدم خروج قاضی محمد از کردستان باعث شد که نظامیان ایران با خشونت کمتری نسبت به آذربایجان وارد کردستان شوند و نوك نیزه سربازان ارتش شاهنشاهی بر سینه رهبران جمهوری کردستان بود نه مردم عادی و اگر قاضی‌محمد فرار میکرد آتش انتقام نظامیان ایران افروخته‌تر میشد. "در بهار سال (1326 هـ) سه ماه پس از برجیده شدن بساط فرقه دمکرات آذربایجان گروه دادرسی اعزامی از تهران به مهاباد سران حکومت مستقل کردستان را به اعدام محکوم کرد و فورا حکم را به اجرا گذاشت."⁹⁹ دلیل ماندن قاضی‌محمد در مهاباد به علت ناچاری نبود زیرا وجود کسانی همچون ژنرال بارزانی و سپاه کردستان میتوانست پشتوانه بزرگی باشد برای مبارزه علیه ارتش ایران، گر چه خود ژنرال بارزانی گفت: "جناب پیشوای فرمانده خواهش می‌کنم همراه من شهر مهاباد را ترك

94
95
96
97
98
99

کنید و عرض کرد که اگر تنها زنده بمانم هفت سال پرچم کردستان را بر روی سرم حمل خواهم کرد حکومت ایران شما را اعدام خواهد کرد. اما پیشوا فرمودند: من در روزهای خوشی همراه مردم کردستان بوده‌ام و در روزهای سختی آنها را ترک نخواهم کرد و باید مردن و زنده ماندنم با ملت کرد باشد.¹⁰⁰ اما اگر جمهوری کردستان با ارتش ایران وارد جنگ میشد خاک کردستان میدان جولان دولتهای همجوار می شد. "در هنگام آماده باش دولت ایران برای هجوم بر سر جمهوری کردستان عراق دو سوم نیروی هوایی و چهار لشکر ارتش و هفت هزار ژاندارم و سی هزار نفر از عشایر را به نزدیک مرز ایران و عراق آورده بود و تمام نقاط سوق الجیشی را کنترل می کردند."¹⁰¹ جمهوری کردستان با ارتشهای ایران و عراق و ترکیه و حتی روسیه و بریتانیا روبرو بود زیرا بعد از جنگ دوم دولتهای روسیه و بریتانیا متعهد به خروج از خاک ایران و دفاع از هرگونه هجوم بر سر دولت ایران و یا هرگونه کشمکش نظامی بودند. آنها تعهد داده بودند که از ایران محافظت و جنگ توسط جمهوری کردستان با ارتش ایران پای این دولتها را به خاک کردستان باز می کرد. گر چه این فشار که شامل حال جمهوری کردستان شد هرگز بر روی جمهوری آذربایجان نبود. اما ادامه دهندگان راه قاضی محمد به چه سرنوشتی دچار شدند. دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران به دست نیروهای تروریست ایران در وین ترور شد. دکتر عبدالرحمن قاسملو را به نام گفتگو به پیش میز مذاکره برده و ناجوانمردانه ترور کردند. دکتر علیرضا نوری‌زاده در این زمینه چنین مینویسد: "حالا من در این شب در میان خیابانهای وین از خودم میپرسم: از حالا چه کسی از سرزمین پدران و نیاکان ما محافظت خواهد کرد؟ دوست کردم که در چهره دکتر قاسملو، چهره اسماعیل آقا و محمد رشیدخان و قاضی محمد را تجسم میکرد در کنارم نشسته و بود و با صدای تاثیر گذاری میگوید: ای برادرم، برادر عزیز و رشیدم، از بلندای قله‌های کوهستان بنگر دشمن به حيله لباس دوستی پوشیده جان من، برادر من، قاسملوی من، دکتر من، غمخوار من"¹⁰² با بررسی این سند به این نتیجه میرسیم که در فکر مردم کردستان شهادت اسماعیل آقا و قاضی محمد و دکتر قاسملو زنده کننده يك واقعت تلخ است و آن هم شهید کردن بزرگان ملت کرد به ناجوانمردانه‌ترین شیوه‌های موجود در هر عصر از تاریخ ملت کرد است. دکتر حسین خلیقی در مورد شهادت دکتر قاسملو چنین مینویسد: "ایران چگونه به نام گفتگو اسماعیل آقا را به پیش میز مذاکره کشید و ترور کرد، همین کار را در مورد دکتر قاسملو انجام داد."¹⁰³ برای حفاظت از ملت کرد و خاک کردستان در هر مقطع از تاریخ هزاران نفر از این ملت شهید شده‌اند این اسامی نام چندین نفر از بزرگان ملت کرد است که به آنها اشاره شد. این تحقیق به این دلیل صورت گرفت که آقای دکتر علی‌رضا نظمی افشار بدانند: "اگر سیاستمداران کرد وظیفه دارند که در مورد ملت کرد از دنیا سوال کنند. این وظیفه محقق کرد است که در مورد ملت به شیوه علمی جواب سوال جهانیان را بدهد."¹⁰⁴

هزاران سند در مورد جنایتهای دولتهای همجوار کردستان و حتی اروپا بر علیه ملت کرد وجود دارد که حتی تاریخ نیز شرم از بازگ کردن آنها دارد. اما اگر کسی تاریخ خود را به بایگانی راکد بسپارد باید يك بار دیگر آنرا تجربه کند. بهترین شیوه را ملت کرد برگزیده‌اند و آن اینست که اگر بعضی نقاط تاریخ را ثبت نکرده‌اند سینه به سینه آنرا نقل کرده‌اند، تا آیندگان از آن تجربه بهره ببرند و بار دیگر آن را تجربه نکنند. این مطلب که مهاجرین ترک در خاک

کردستان ساکن شده‌اند و پیشینه تاریخی ندارند تنها مربوط به این تحقیق یا فقط مربوط به بینش نویسندگان کرد نیست بلکه شاعری مانند عارف قزوینی نیز بر این باور است:

"ز عشق آذر آبادگانم این آتش
نهان به سینه و در هر نفس شرر ریزاست
چه سان نسوزم و آتش به خشک و تر نزنم
که در قلمرو زرتشت حرف چنگیز است"¹⁰⁵

سهرچاوه‌گان:

- 1) وایس، جوئن/ نهریتی فاشیزم/ وهرگیرانی کاروان کاوسین_ زنجیره‌ی 110_ ژماره 295 - ل224 - وهزاره‌تی رهوشنبیری سلیمانی - سالی 2005 - ل220
- 2) ره‌سول، عومه‌ر/ مرؤفی نیاندرتال و گول/ هه‌زار می‌رد - ژماره 23 - سالی شه‌شهم - ئه‌یلول 203 - ره‌زبه‌ری 2703 - وه‌رزه گو‌فاریکی زانستیه له شوینه‌وار و میژووی کوردستان دده‌وئت - وه‌زاره‌تی ره‌وشنبیری حکوومه‌تی هه‌ریمی کوردستان دهریده‌کات - ل198 - ل6
- 3) قاسملو، د. عبدالرحمن/ کوردستان و کورد/ لی‌کۆئینه‌وه‌یه‌کی سیاسی و ئابوری‌یه - ل386 - وه‌رگیر عبدالله هه‌سه‌نزاده - سالی 1352 هه‌تاوی، 1973 زائینی - له بلا‌وکراوه‌کانی بنکه‌ی پیشه‌وا - ل300
- 4) فیلیچیشکی، ئو.ل/ نژادی کورد/ ره‌وتی میژوویی دروست بوونی کورد - له روسیه‌وه کردوویه به کوردی ره‌شاد میران - هه‌ولیر 2000 - ل367 - ژماره‌ی سپاردن 296 - چاپ و بلا‌وکراوه‌کانی موکریانی - ل51
- 5) ئیبراهیمی، سه‌یدکه‌مال/ بابل - Bublion/ لاوان 23/ ده‌وری دووه‌م - سالی هه‌وته‌م ل173 - ئورگانی یه‌کیتی لاوانی دی‌مؤکراتی کوردستانی ئیران - ل58
- 6) فیلیچیشکی، ئو.ل/ نژادی کورد/ ره‌وتی میژوویی دروست بوونی میله‌تی کورد - (سه‌رچاوه‌ی پیشوو) ل50
- 7) قاسملو، د. عبدالرحمن/ کوردستان و کورد/ لی‌کۆئینه‌وه‌یه‌کی سیاسی و ئابوری - (سه‌رچاوه‌ی پیشوو) ل39
- 8) فیلیچیشکی، ئو.ل/ نژادی کورد/ ره‌وتی میژووی دروست بوونی میله‌تی کورد - (سه‌رچاوه‌ی پیشوو) ل58
- 9) شاه اویسی، مهندس حسین، 1328/ کردستان پاره تن ایران زمین/ چشم انداز ایران - نشریه سیاسی راه‌بردی ویژه‌نامه کوردستان 2 پاییز 1384 - ص216 - نشر حمیدیه، پخش شرکت بازرگانی کتاب گستر - ص12
- 10) قاسملو، د. عبدالرحمن/ کوردستان و کورد/ لی‌کۆئینه‌وه‌یه‌کی سیاسی و ئابوری - (سه‌رچاوه‌ی پیشوو) - ص158
- 11) نراقی، احسان/ تاریخ ایران/ احسان نراقی - انتشارات بی‌تا - تهران سال 1357 - ص14

- 12) خوشحالی، بهزاد، 1351/ زبان شناسی کرد و تاریخ کردستان/ تالیف بهزاد خوشحالی - همدان فن آوران، 1379 - 247 ص -
Isbn:964-6792-236-236
- 13) ئیبراهیم حهسن، مه‌لود/ گه‌ران به دواى نه‌مرییدا/ بلاوکروده‌ی ژماره 135 - چاپی یه‌که‌م، ل 263 -
چاپخانه‌ی وه‌زاره‌تی په‌روه‌ده‌ه‌ولیر - سالی 2002 - ل 6
- 14) بشیری، احمد/ کتاب نارنجی/ گزارشهای سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران - جلد 1
ص 322 - تهران 1367 - چاپ دوم - ص 129
- 15) خوشحالی، بهزاد، 1351/ زبان شناسی کرد و تاریخ کردستان/ تالیف بهزاد خوشحالی - همدان فن آوران، 1379 -
247 ص -
Isbn:964-6792-28-6-130
- 16) بهنام، عیسی/ تمدن ایرانی/ جمعی از خاورشناسان فرانسوی - تهران 1381 - ص 381 - چاپ سوم -
Isbn:964-445-328-9-6
- 17) ریاحی، دکتر محمدامین/ تاریخ خوی/ چاپ اول سال 1373 - چاپخانه‌ی حیدری، ص 631 - انتشارات طوس اول
خیابان دانشگاه - ص 347
- 18) سابیر، رحیم/ فه‌لسه‌فه‌ی میژوو/ نویسنی رحیم سابر - سلیمانی چاپی دووه‌م، سالی 2005 - ل 210 -
ژماره‌ی سپاردن 86 وه‌زاره‌تی ره‌وشنیری - ل 14
- 19) معین، محمد، 1350، 1297/ فرهنگ فارسی يك جلدی محمد معین/ تهران نشر سرایش 1380 - سی و هشت +
1342 -
Isbn:964-92036-9-1-20
- 20) وریا قانع، مریوان/ ناسیونالیزم و سه‌فه‌ر/ کورد له دیاسپورا - ژماره‌ی سپاردن 758- ل 234 - چاپخانه‌ی رهنج -
له بلاوکروده‌کانی نیوه‌ندی ره‌ه‌ند 235 - ل 235
- 21) مینورسکی، ولادیمیر/ مینورسکی و کورد/ وه‌رگیرانی نه‌نوه‌ری سوئتانی - ژماره‌ی سپاردن 252 ، ل 202 -
چاپخانه‌ی وه‌زاره‌تی په‌روه‌ده‌ه‌ولیر - سالی 2002 - ل 41
- 22) طلوعی، محمود/ خواندنیهای تاریخی/ محمودطلوعی (ویرایش 2) تهران - علم 1377 ، ص 670 - چاپ چهارم
1381 - Isbn:964-405-031-2-11
- 23) علیار، ناصر/ گامی خرد در کشف آرمانهای کرد/ چشم انداز ایران - نشریه سیاسی راهبردی ویژه‌نامه کردستان 2
پاییز 1384 - پخش شرکت بازرگانی کتاب گستر - ص 194
- 24) مینورسکی، ولادیمیر/ مینورسکی و کورد/ وه‌رگیرانی نه‌نوه‌ر سوئتانی - (سه‌رچاوه‌ی پیشوو) - ل 42
- 25) عه‌لی شه‌ریف، حیلمی/ دوو لی‌کولینه‌وه‌ی سیاسی/ زه‌نجیره‌ کتیبی ده‌زگای چاپ و په‌خشی سه‌رده‌م سالی 2001 -
ل 96
- 26) مینورسکی، ولادیمیر/ مینورسکی و کورد/ وه‌رگیرانی نه‌نوه‌ر سوئتانی - (سه‌رچاوه‌ی پیشوو) - ل 96
- 27) شه‌مزینی، د.عه‌زیز/ جوولانه‌وه‌ی رزگاری نیشتمانیی کوردستان/ وه‌رگیرانی فه‌رید نه‌سه‌سه‌رد - ل 260 - چاپی
سیه‌م - سلیمانی 1998 - بلاوکروده‌کانی سه‌نته‌ری لی‌کولینه‌وه‌ی ستراتجی کوردستان - ل 42

- (29) شمیم، علی اصغر/ ایران در دوره سلطنت قاجار/ چاپ اول 1379 - ص 682 - چاپخانه زریاب تهران - ص 37
- (30) گور، ژان/ خواجه تاجدار/ نویسنده ژان گور؛ ترجمه ذبیح الله منصوری - تهران امیرکبیر 1365 - 2 جلد در یک مجلد - ص 1024 - Isbn:964-00-0030-2 - ص 517
- (31) شمیم، علی اصغر/ ایران در دوره سلطنت قاجار/ چاپ اول 1379 - (منبع قبلی) - ص 39
- (32) پطروشفسکی، پ/ تاریخ ایران از دوران باستان تا سده هجدهم میلادی/ ترجمه کریم کشاورز ص 714 - انتشارات پیام، چاپ پنجم 1363 - فصل هشتم - روبروی دانشگاه تهران - ص 619
- (33) هاوار، محمدهد رهسوول/ سمکو، سمائل آغای شکاک و بزوتنه‌وی نه‌ته‌وایه‌تیی کورد/ چاپخانه‌ی APEC ، سوئد سالی 1995 - ل 675 - ستوکهولم - ل 37
- (34) گیلان/ کورده‌کانی ئیران و هیئتی عوسمانی/ وەرگیرانی له فرنسی یه‌وه - نه‌جاتی عه‌بدو‌لا چاپی یه‌که‌م - سلیمانی 2004 - ص 22
- (35) حقگو، د. جمشید/ دو شکاف بین هیئت حاکمه و مردم و شکاف بین مردم و گروه‌های متخاضم/ چشم انداز ایران - نشریه سیاسی راهبردی - ویژه‌نامه کردستان 2، پاییز 1384 - ص 216 - نشر حمیدیه، پخش شرکت بازرگانی کتاب گستر - ص 45
- (36) نهره‌ع، هسه‌ن/ کورده‌کان، لیکولینه‌وه‌یه‌کی میژووی و سیاسی/ وەرگیرانی سهردار محمدهد سلیمانی 2001 - ل 225 - زهنجیره کتیبی ده‌زگای چاپ و په‌خشی سهرده‌م - ل 34
- (37) برزوئی، مجتبی 1340/ اوضاع سیاسی کردستان از 1258 تا 1325 ه. / نگارش مجتبی برزوئی تهران فکر نو 1378 - ص 420
- Isbn:964-6870-02-3 - ص 26
- (38) حزنی، حسین/ میرانی سۆران/ حسین حزنی موکریانی - چاپی دووه‌م - چاپخانه‌ی کورستان - هه‌ولیر سالی 2574 کوردی - ل 109
- (39) عه‌بدو‌لا حسین، کریکار/ کورد و ناشووری/ له بلاوکراره‌کانی بنکه‌ی نه‌ده‌بی و رووناکبیری گه‌لاویژ ل 235 - سلیمانی 1998 - چاپی یه‌که‌م چاپی ئوفسیتی داناز - ل 109
- (40) عه‌بدو‌لا، نه‌جاتی/ شوژی شیخ عۆبه‌یدو‌لا نه‌هری له به‌لگه‌نامه‌کانی فه‌ره‌نسی‌یدا 1879 - 1882/ وته‌ی به‌رایی، ره‌فییق سابیر - بلاوکراره‌کانی مه‌کته‌بی بیر و هوشیاری (ی.ن.ک) ل 210 - سلیمانی - سالی 2004 - ل 109
- (41) عه‌لی ره‌سوول، جه‌عفه‌ر/ ناسیونالیزم و ناسیونالیزمی کوردی/ چاپخانه‌ی رهنج - ژماره‌ی سپاردن 86، ل 389 - وه‌زاره‌تی روشنبیری سالی 2004 - ل 356
- (42) بیگدلو، رضا/ باستانگرای در تاریخ معاصر ایران/ چاپ 1380 - نشر مرکز - تهران - ص 84
- (43) عه‌بدو‌ل، فاروق/ سروشتی ناسیونالیزمی کوردی/ کوردستانی نوئ - روژنامه‌یه‌کی سیاسی روژانه‌یه - یه‌کیه‌تیی نیشتمانیی کوردستان ده‌ری ده‌کات - ژماره 2649 - شه‌مه 2005/12/17، هه‌ریمی کوردستان - سلیمانی مه‌کته‌بی ناوه‌ندی راگه‌یاندن - شه‌قامی ئارارات (31) - ل 10
- (44) علیار، ناصر/ گامی خرد در کشف آرمانهای کرد/ چشم انداز ایران - نشریه سیاسی راهبردی ویژه‌نامه کردستان 2 پاییز 1384 - ص 216 - پخش شرکت بازرگانی کتاب گستر، ص 183

- (45) بازيار، سمايل/ كورد و كوده تايه ك/ تيشك 12 - گوفاريكي سياسي روشنبري گشتيه، ل 145 - سالي پينجه م، ره شه مهی 1381 - كۆميسيوني ليكۆلينه وه و فيركردني حيزبي ديموكراتي كوردستاني ئيران دهري دهكا - ل 19
- (46) رائين، اسماعيل/ حيدر عمو اوغلي/ سازمان چاپ و انتشارات جاويدان - چاپ سوم - ص 408 سال 2535 شاهنشاهی - ص 16
- (47) رائين، اسماعيل/ حيدر عمو اوغلي/ سازمان چاپ و انتشارات جاويدان - (منبع قبلي) ص 179
- (48) رائين، اسماعيل/ پيرم خان سردار/ تهران موسسه انتشارات رائين - چاپ دوم سال 2535 شاهنشاهی - ص 337
- (49) شميم، علي اصغر/ ايران در دوره سلطنت قاجار/ چاپ اول 1379 - ص 682 - چاپ چاپخانه زيباب تهران - ص 510
- (50) رائين، اسماعيل/ حيدر عمو اوغلي/ سازمان چاپ و انتشارات جاويدان - (منبع قبلي) ص 360
- (51) بيگدلي، علي، 1322/ ترورهای سياسي در تاريخ معاصر ايران/ جلد دوم - تهران سروش - سال 1372 - ص 1022 - ص 645
- (52) بشيري، احمد/ كتاب آبي/ گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگليس درباره انقلاب مشروطه ايران - جلد سوم از تاريخ 11 مه 1909 تا 30 نوامبر 1909 - 767 ص - ص 704
- (53) رائين، اسماعيل/ پيرم خان سردار/ تهران موسسه انتشارات رائين - (منبع قبلي) - ص 422
- (54) مه زهره، نه حمده، د. كه مال/ كوردستان له ساله كاني شهري يه كه مي جيهانيدا/ به غدا 1975 چاپخانه ي كۆري زانياري كورد - ل 224
- (55) ئولسن، روبرت/ راپه ريني شيخ سه عيد پيران 1880 - 1925/ ودرگير نه بوبه كر خوشناو - سليمانی سالی 1999 - زنجيره كتيبی دهزگای چاپ و په خشی سه رده م - ل 41
- (56) خه ليقی، د. حؤسين/ داستانی مافی مرؤف/ چاپی يه كه م - سوئد سالی 1995 زائینی ل 208 - Isbn:917328999x - ل 44
- (57) هه ر شه می، شاسوار/ ميژووی آراميه كان له كوردستاندا/ ئؤفيسي تي بابان - سالی 1999، ل 350 - چاپی دووهه م سليمانی - ل 225
- (58) ناسؤ - ژماره 110 / ئايا كوشتنی مار شه مه عوون هه له بوو؟/ نوسينگه ي سليمانی - پينجه شه مه 2005/7/7 - به ختيازي تازه شه ست متری - چاپ و بلاو كراوه كاني چاپخانه ي رنج - ل 7
- (59) جان، گارانت/ استراتژی معاصر/ نظريات و خط مشی ها - ترجمه هوشند مير فخرایی، چاپ پنجم - تهران 1382 - ص 289 - مركز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه - ص 80
- (60) نوئييل، نه دوارد چارلز ويليام - ميچهر نوئييل/ سه رنجدان يكي باروو دوخی كورد/ ناماده كردنی عبدالرقيب يوسف له عه ره بيه وه وه درگيرانی سديق صالح - چاپخانه ي ئؤفيسي تي سه ركه وتن - سالی 2001 - ل 51
- (61) حيلمی، ره فيق/ كوردستاني عيراق و شور شه كاني شيخ مه محمود/ به شی سي هه م - ناماده كردن و ليكۆلينه وه و پيدا چوونه وی د. پاكزه ره فيق حيلمی - ل 175 - دهزگای روشنبري و بلاو كردنه وه ي كوردی 1992 - ل 93
- (62) هه ر شه می، شاسوار/ ميژووی ئاراميه كان له كوردستان دا/ ئؤفيسي تي بابان - (سه رچاوه ي پيشوو) - ل 274
- (63) حه سه ن زاده، عبدالله/ وتوويزی په يكي كوردستان له گه ل سياسي ته مه داری گه له كه مان به ريژ و تي كوشه ر مامؤستا عبدالله حه سه ن زاده/ هه فپه يقين: سه لاح عه بدوالاه پوور - www.pkdk.org

- (64) برزوئی، مجتبی، 1340/ اوضاع سیاسی کردستان از 1258 تا 1325 ه.ج/ تهران فکر نو - (منبع قبلی) - ص159
- (65) گیلان/ کورده‌کانی ئیران و هی‌رش عوسمانی/ وەرگیرانی له فه‌رنسی یه‌وه - نه‌جاتی عه‌بدوئلا - (سه‌رچاوه‌ی پیشوو) - 82ل
- (66) قاسمی، ابوالفضل/ اسناد محرمانه خفقان در ایران/ چاپ دوم - تهران 2537 شاهنشاهی - ص23
- (67) مه‌زه‌ره‌ئه‌حمه‌د، د. که‌مال/ چه‌ند لاپه‌ره‌یه‌ک له می‌ژوو‌ی گه‌لی کورد/ به‌رگی دووه‌م - سالی 2001 - 584ل - ناماده کردنی عه‌بدوئا زه‌نگه‌نه - چاپی یه‌که‌م - ژماره‌ی سپاردن 179 - چاپخانه‌ی وه‌زاره‌تی په‌روه‌رده هه‌ولیر - 254ل
- (68) لازاریف، م.س/ کیش‌ه‌ی کورد 1896 - 1917/ دوکتور کاوس قه‌فتان له رووسی‌ه‌وه کردوو‌یه به کوردی و پیشه‌کی و په‌راویزی بو نووسیوه - به‌رگی یه‌که‌م - به‌غدا 1998 - ده‌زگای روشنبیری و بلاوکردنه‌وه‌ی کوردی - 741ل - کتیبی زنجیره‌ی 240 - 6ل
- (69) عه‌بدوئا، نه‌جات/ کوردستان له به‌لگه‌نامه‌کانی کونسولی فه‌رنسی له به‌غدا سالی 1919/ به‌رگی یه‌که‌م نه‌جاتی عه‌بدوئلا - له فرنسی‌ه‌وه کردوو‌یه به کوردی و پیشه‌کی و په‌راویزی بو نووسیوه - 172ل سلیمانی چاپخانه‌ی شقان چاپی یه‌که‌م 2004 - ژماره‌ی سپاردن 439 - 20ل
- (70) مه‌ده‌نی، حوسین/ کوردستان و ستراتژی ده‌وله‌تان/ به‌رگی دووه‌م - ئاوریلی 2001 - خاکه‌لیوه‌ی 1380 هه‌تاوی - 513ل - ژماره‌ی سپاردن 366 - چاپخانه‌ی وه‌زاره‌تی په‌روه‌رده هه‌ولیر - 115ل
- (71) حاته‌می، حه‌سه‌ن/ فره‌ گه‌لی له ئیران دا/ تیشک 6 گو‌فاریکی سیاسی ئابوو‌ری می‌ژوو‌ی گشتی یه - سالی سیه‌م - بانه‌مه‌ری 1379 - 144ل - کو‌میسیونی فی‌رکردن و لی‌کولینه‌وه‌ی حیزبی دیموکراتی کوردستانی ئیران ده‌ری ده‌کا - 60ل
- (72) برزوئی، مجتبی؛ 1340/ اوضاع سیاسی کردستان از 1258 تا 1325 ه.ج/ تهران فکر نو - (منبع قبلی) - ص155
- (73) ئه‌حمه‌د، ته‌قی/ خه‌باتی گه‌لی کورد له یاداشته‌کانی ئه‌حمه‌د ته‌قی‌دا/ ریک خستن و ناماده کردن بو چاپ جه‌لال ته‌قی - له سه‌ر ئه‌رکی فه‌می قه‌فتان له چاپ دراوه - چاپخانه‌ی العریبه بغداد - 92ل - سالی 1970 - 36ل
- (74) گیلان/ کورده‌کانی ئیران و هی‌رش عوسمانی/ وەرگیرانی له فه‌رنسی یه‌وه نه‌جاتی عه‌بدوئلا - 97ل
- (75) مه‌عرووف به‌رزنجی، عومه‌ر/ مه‌حموودخان دزلی/ شو‌رشگی‌ری رۆژه‌لاتی کوردستان - چاپی دووه‌می بژارکراو - سلیمانی 2000 - 284ل - چاپخانه‌ی ئازاد - 99ل
- (76) عبدالله‌حوسین، کریکار/ کورد و ناشووری/ له بلاوکراوه‌کانی بنکه‌ی ئه‌ده‌بی و رووناکبیری گه‌لاویژ - 164ل
- (77) پیرن، ژاک/ عهدنامه ورسای و ایجاد گروه‌های سیاسی در اروپا/ ترجمه مهندس رضا مشایخی موسسه انتشارات امیرکبیر - تهران سال 2537 شاهنشاهی - ص228 - چاپ دوم - ص112
- (78) کیخسروی، فاروق/ مصاحبه با خودم/ چشم انداز ایران - نشریه سیاسی راهبردی - ویژه‌نامه کردستان 2 پاییز 1384 - ص216 - نشریه حمیدیه - پخش شرکت بازرگانی کتاب گستر - ص58
- (79) فردوست، حسین/ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی/ جلد اول خاطرات ارتشبد حسین فردوست - چاپ سال 1370 ه.ش - انتشارات اطلاعات تهران - ص549

- (80) هه‌ورامی، د. ئەفراسیایو/ کوردستانیه‌تی کەرکوک له سی نه‌خشەیی بڵاونە‌کراوە‌دا/ گۆفاری گۆلان- ژماره 556 – 2005/7/21 – گۆفاریکی سیاسی گشتی یه – هه‌ولێر – 36ل
- (81) پیرن، ژاک/ عهد نامه ورسای و ایجاد گروههای سیاسی در اروپا/ ترجمه مهندس رضا مشایخی – (منبع قبلی) – ص118
- (82) ئەرفه‌ع، حه‌سه‌ن/ کورده‌کان لیکۆلینه‌وه‌یه‌کی میژوویی و سیاسی/ وه‌رگیڕانی سه‌ردار محه‌مه‌د (سه‌رچاوه‌ی پیشوو) 94ل
- (83) گه‌ردی، حه‌مه‌د/ رۆژی کورد له میژوودا/ حه‌مه‌د گه‌ردی، ژماره‌ی سپاردن 91 – ل 360 به‌رپۆه‌به‌رایه‌تی چاپخانه‌ی رۆشنیری چاپی دووهم 2005 – هه‌ولێر – 35ل
- (84) هاوار، محه‌مه‌د ره‌سوول/ سمکۆ، سمایل ئاغای شکاک و بزوتنه‌وه‌ی نه‌ته‌وايه‌تی کورد/ چاپخانه‌ی ADEC – سوئید ساڵ 1995 – 675ل – ستۆکهۆلم – 641ل
- (85) پشه‌ری، حه‌مه‌ئاغا/ بیره‌وه‌ریه‌کانی ئەحه‌مه‌دئاغای پشه‌ری/ تۆمارکردنی عبدالرقيب يوسف سديق صالح – سلیمانی 2001 چاپخانه‌ی ئازاد – 99ل
- (86) مه‌زه‌ر ئەحه‌مه‌د، که‌مال/ چه‌ند لاپه‌ره‌یه‌ک له میژووی گه‌لی کورد/ به‌رگی دووهم – (سه‌رچاوه‌ی پیشوو) – 252ل
- (87) هاوار، محه‌مه‌د ره‌سوول/ سمکۆ، سمائیل ئاغای شکاک و بزوتنه‌وه‌ی نه‌ته‌وايه‌تی کورد/ چاپخانه‌ی APEC سوئید ساڵی 1995 – 675ل – ستۆکهۆلم – 660ل
- (88) وان بروئین سن، مارتین. 1946/ جامعه‌ سناسی مردم کرد/ آغا شیخ و دولت – ساختارهای اجتماعی و سیاسی کردستان – ترجمه ابراهیم یونسی – تهران نشر پاییز 1378 – ص503 - 964-9054-3-6- isbn – ص42
- (89) قاسملوو، د. عبدالرحمان/ کوردستان و کورد/ لیکۆلینه‌وه‌یه‌کی سیاسی ئابووری – (سه‌رچاوه‌ی پیشوو) – 20ل
- (90) مه‌زه‌ر ئەحه‌مه‌د، د. که‌مال/ چه‌ند لاپه‌ره‌یه‌ک له میژووی گه‌لی کورد/ به‌رگی دووهم – (سه‌رچاوه‌ی پیشوو) – 99ل
- (91) عه‌لی ره‌سوول، جه‌عه‌فر/ ناسیونالیزم و ناسیونالیزی کوردی/ چاپخانه‌ی رهنج – (سه‌رچاوه‌ی پیشوو) – 316ل
- (92) که‌ریمی، هاشم/ نائین و ده‌سه‌لات له پرۆسه‌ی میژووی رووحانیه‌تی شیعه‌دا/ پێشه‌کی . د . که‌مال میراوده‌لی – چاپی یه‌که‌م – سلیمانی ئۆفیس‌تی فانه‌ – ل 336 – ژماره‌ی سپاردن 414 ساڵی 2005 ی پێدراوه – 215ل
- (93) بیگدلی، علی، 1322 / ترورهای سیاسی در تاریخ معاصر ایران/ جلد دوم تهران سروش سال 1372 ص1022 – 758ل
- (94) مه‌زه‌ر ئەحه‌مه‌د، د. که‌مال/ چه‌ند لاپه‌ره‌یه‌ک له میژووی گه‌لی کورد/ به‌رگی دووهم – (سه‌رچاوه‌ی پیشوو) – 436ل
- (95) خوشحالی، به‌زاد، 1351/ زبان شناسی و تاریخ کردستان/ همدان فن آوران – (منبع قبلی) ص317
- (96) برزوویی، مجتبی، 1340/ اوضاع سیاسی کردستان از 1258 تا 1325 ه.ش/ تهران فکرنو – (منبع قبلی) – ص317
- (97) شاه‌اویسی، مهندس حسین، 1328/ کردستان پاره‌ تن ایران زمین/ چشم انداز ایران – (منبع قبلی) – ص22

- 98) خەلىقى، د. حوسېن / ولامېك بە بېر كىر دىنە وە يەككى ئەنتىكە دېمۇكراتىك / وەرگېرانى رەسوول سولتانى-رۇژنامەى كوردستان-ژمارە 425-30 خەزەلۈەرى 1384 - ئۆرگانى كومىتەى ناوەندى حىزبى دېمۇكرات كوردستانى ئىران - بەشى دووھەم - 10ل
- 99) بېگدىلى، على، 1322/ ترورھای سیاسی در تاریخ معاصر ایران / جلد دوم - (منبع قبلى) - ص 574
- 100) سابىر، رحىم / كوردولۇزى / لىكۆلىنە وە يەككى ساپكۆسۆسىولوژى لەمەر كۆمەلگەى كورد - چاپى يەكەم سلىمانى 2001 - ژمارەى سپاردن 251 - 293ل - لە بلاوكر اوەكانى بىكەى ئەدەبى و رووناكبىرى گەلاوېژ - 46ل
- 101) مەدەنى، حوسېن / كوردستان و ستراتېژى دەولەتان / بەرگى دووھەم - (سەرچاوەى پېشوو) - 437ل
- 102) نورىزادە، د. عەلى رەزا / راستە و خۆ ھەر بە سەر چوو ھەردى جى ھىشت و لە ھەوران دەرچوو / بە يادى كاك عبدالرحمان قاسملو - تىشك 4 - گۇفارىكى سىياسى، ئابوورى، مىژووى، گىشتىيە - پووشپەرى 1378 - كۆمىسىونى فېر كىردن و لىكۆلىنە وەى حىزبى دېمۇكراتى كوردستانى ئىران دەرى دەكا - 98ل - 47ل
- 103) خەلىقى، د. حوسېن / داستانى مافى مروّف / چاپى يەكەم سوندى سالى 1995 زايىنى - 208ل - 183ل - Isbn:917328999x
- 104) ئىبراھىم حەسەن، مەلۇد / گەران بە دواى نەمرىيدا / بلاوكر اوەى ژمارە 135 - چاپى يەكەم - 263ل - چاپخانەى وەزارەتى پەروەردە ھەولېر سالى 2002 - 7ل
- 105) بېگدىلو، رضا / باستانگرابى در تاريخ معاصر ایران / چاپ 1380 - نشر مركز - تەران - ص 174

7ى جۆزەردانى 2706 كوردى

7 خرداد 1385 شمسى